

اسامی نزدیک به ۳۵۰ تن قاچاق انسان به اشرف توسط مسعود و مریم رجوی

این اسامی را براساس اطلاعاتی که داشتم و بسیاری از آنها را در اشرف و مرکز خودمان یا مراکز دیگر دیده بودم و یا از دوستان جدا شده شنیدم و یا از سایت ها و مصاحبه ها بدست آورده ام. همچنانکه گفتم آمار بسیار بیشتر از اینهاست. اگر چه من از آغاز بدنبال جمع آوری اسامی نبودم. زیرا موضوعات درون سازمان آنقدر وسیع است که امکانی برای یک فرد نمی ماند که بتواند در همه زمینه ها تحقیق کرده و اطلاعات کسب کند. جدای از اینکه بسیاری از جدا شدگان نیز بدلیل ترس وحشت از سازمان حاضر به سخن گفتن نمی شوند.

در این لیست بهیچوجه نام میلیشیا هایی که اغلب زیر سن ۱۸ سال، در سالهای ۷۸ تا ۷۶ از اروپا با وعده های مختلف به عراق کشانند، نیامده است. همچنانکه افرادی که پس از سرنگونی صدام و درسین زیر ۱۸ سال جذب ارتش شدند.

- ۱- علی قزل قارشی از شهرستان گرگان - ورودیه سازمان ۱۳۷۹ با وعده کار در اروپا.
- ۲- صادق خاوری (صمد) از شهرستان فومن - ورودیه سازمان ۱۳۸۰
- ۳- محمد کریم گل شیر میری (حامد) از شهرستان نیک شهر - ورودیه سازمان ۱۳۸۰
- ۴- شهرام بهادری از جلفای آذربایجان شرقی
- ۵- شهرود بهادری از جلفای آذربایجان شرقی
- ۶- حسام شاکری سبزواری متولد ۱۳۵۹- اعزام از ترکیه در تاریخ ۸۱/۴/۲۴
- ۷- سید محمد حسینی از نیشابور اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۱
- ۸- اشکان که از قبرس آمده بود - اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۱
- ۹- رضا از تهران اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۱
- ۱۰- سید شجاع سید لطیفی متولد ۱۳۳۹ متأهل و دارای پنج فرزند، ساکن اهواز اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۰
- ۱۱- قاسم همدانی (با نام مستعار هادی)
- ۱۲- حسن صافی معروف به پڑمان اهل مشهد - از مجاهدین جدا شد.
- ۱۳- فردین - نام مستعار
- ۱۴- حامد اهل قزوین
- ۱۵- فرهاد پورمشکی - معتاد به تریاک - اعزام از پاکستان سال ۸۱
- ۱۶- علی مظلومی اهل قم همراه با سه نفر دیگر که با او بودند و هر چهار نفر معتاد
- ۱۷- حسن اخلاقی اعزام از ترکیه
- ۱۸- سید طه حسینی اهل محلات اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۱
- ۱۹- حسام شاکری اهل سبزواری متولد ۱۳۵۹- اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۱
- ۲۰- احمد رضا ایرانپور متولد ۱۳۸۴
- ۲۱- محمدرضا ایرانپور متولد ۱۳۵۹ محصل و ۱۷ ساله
- ۲۲- غلامرضا بهروزی سال ۷۵ ایران به ترکیه و از ترکیه به اردن و عراق همراه با یک نفر دیگر که در هواپیما بود.
- ۲۳- مرتضی بهشتی اعزام از ترکیه سال ۸۰
- ۲۴- مصطفی بهشتی اعزام از ترکیه سال ۸۰

- ۲۵- حسین افشار
- ۲۶- محسن مالیا اعزام سال ۸۱
- ۲۷- علی اصغر غضنفری فرمانده عملیات برای کشتن لاجوردی
- ۲۸- عبدالرحیم نظری اعزام از ترکیه همراه با مهدی...
- ۲۹- مهدی... اعزام از ترکیه
- ۳۰- افشین جعفرزاده متولد ارومیه اعزام از ترکیه
- ۳۱- برادر افشین جعفرزاده متولد ارومیه اعزام از ترکیه
- ۳۲- بپر قنواتی از بندر ماهشهر اعزام سال ۱۳۷۸
- ۳۳- محسن صحاف از تبریز اعزام در سال ۸۱
- ۳۴- عباس جعفری متولد تهران اعزام از ترکیه
- ۳۵- ملابخش حسین زهی از سیستان و بلوچستان اعزام از پاکستان
- ۳۶- مسعود جهانبخش- کرمانشاه- سال ۸۰ برای کار به ترکیه
- ۳۷- احمد صیوحی ایرانشهر بخش اسپکه اعزام از دبی
- ۳۸- سرمست محسنی اعزام از ترکیه ۱۳۸۱
- ۳۹- احمد صیوحی ایرانشهر بخش اسپکه اعزام از دبی
- ۴۰- محمد عراقی اهل شاهین دژ - سال ۸۱ او را به پاکستان کشاندند و بعد عراق
- ۴۱- جمشید سرایی اهل آق قلا- سال ۸۱ اعزام از ترکیه
- ۴۲- محمد نعیم ملازهی، اهل سراوان اعزام از پاکستان در سال ۱۳۸۱
- ۴۳- برادر عباس جعفری اعزام از ترکیه
- ۴۴- دوست عباس جعفری اعزام از ترکیه
- ۴۵- ابراهیم ماجلانی- تهران اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۱
- ۴۶- محمد اکرم ابرکار، بچه سرباز سال ۸۱ از امارات
- ۴۷- عیسی بلوچی - فرزند آدم - متولد شهرستان نیک شهر اهل سیستان و بلوچستان. همراه با عمو و یکی از اقوام به اسم خسرو بلوچ اقوامی و رسول بخش بلوچی - اعزام از پاکستان ۱۳۸۱
- ۴۸- احسان دهورای اهل سراوان - امارات ۱۳۸۱
- ۴۹- عبدالمهدی بامری فرزند رسول بخش بامری، از ایرانشهر به پاکستان و بعنوان کاردردوبی، و بعد به عراق ۱۳۸۰
- ۵۰- امیر بلوچی اهل ایرانشهر سال ۱۷۹ امارات متحده عربی
- ۵۱- محمدرضا شمسی اهل تبریز، شهرستان هادی شهر - سال ۸۱ از تهران به ترکیه و در ۲۴/۴/۸۱ اعزام به عراق.
- ۵۲- علیرضا اسپندار فرد (نام سازمانی سیاوش) اهل کرج اعزام از ترکیه سال ۸۰
- ۵۳- انوشیروان ریاحی اهل فیروزآباد فارس اعزام از دبی سال ۸۰

- ۵۴- حسام شاکری سبزواری متولد ۱۳۵۹ از ترکیه در سال ۸۱
- ۵۵- محمد رئیسی اهل نیک شهر در سال ۸۱ به امارات و عراق
- ۵۶- مسعود اهل ایرانشهر بودند(بعنوان کار به عراق برده بودند)
- ۵۷-ارسلان اهل ایرانشهر بودند(بعنوان کار به عراق برده بودند)
- ۵۸-شهریار اهل ایرانشهر (بعنوان کار به عراق برده بودند)
- ۵۹- عزّت - اهل لاشار
- ۶۰ - - فاروق (اسم اصلی احتمالاً محمد)
- ۶۱- مهران رستگارفر ساکن همدان سال ۸۰ برای پیدا کردن کار به ترکیه
- ۶۲- تیمور اسماعیلی اهل استان خراسان - قوچان سال ۸۰ از طریق پاکستان به عراق
- ۶۳- حمید رضا چمنی اواخر سال ۷۸ اعزام از ترکیه
- ۶۴- انوشیروان ریاحی اهل فیروز آباد فارس دومی آخر سال ۸۰
- ۶۵- علی براتلو متولد ۱۳۵۶ اهل تهران در سال ۷۸ از طریق مرز پاکستان به عراق
- ۶۶- ارسلان اسماعیلی-نقاش وخطاط بود(درسال ۷۶ به مرکز ۵آمد. اوهمراه با **علی اصغر غضنفری فرمانده عملیات برای کشتن لاجوردی** درمرکزما قرارداداشتند)
- ۶۷- پوریا قوامی اهل سنندج - ۲۶ فروردین ۱۳۸۱ به سمت ترکیه
- ۶۸- برادرکوچک پوریا قوامی ۱۳۸۱ به سمت ترکیه
- ۶۹- هومن درآلبانی ازسازمان جدا شد.
- ۷۰- حسین ندایی با نام مستعارحمید
- ۷۱- محسن ابوفاضلی(نام سازمانی جمشید تهرانی) اهل تهران سال ۸۰ از ترکیه
- ۷۲- مهدی جواهریان سال ترکیه ۷۹
- ۷۳- محسن مالیا (نام سازمانی پیمان) اهل تهران ۱۳۸۱ به سمت ترکیه
- ۷۴- امیر تلاوتی(اسفندیار) ۱۳۸۱ به سمت ترکیه
- ۷۵- احمد تلاوتی(یوسف) سال ۷۸
- ۷۶- عادل خلخالی زر اهل تهران سال ۸۰
- ۷۷- عبدالرحیم نظری از شهرستان آق قلا- از سال ۸۱ به صورت قانونی وارد ترکیه شد وبعد عراق
- ۷۸- مهرداد شیر محمدی اهل تهران
- ۷۹- ناتان بگینی - یهودی مذهب
- ۸۰- محمد اکرم ابرکار، اهل سرباز سال ۸۱ از امارات
- ۸۱- محمدرضا پورشعبانی از طریق برادرش که در عراق بود سال ۸۰ از مرز ترکیه به عراق منتقل شد.
- ۸۲- محمد عراقی اهل شاهین دژ
- ۸۳- حسن ریگی معروف به ستار

- ۸۴- عموی عیسی بلوچی
- ۸۵- خسرو بلوچ اقوامی
- ۸۶- رسول بخش بلوچی
- ۸۷- حمید کاظم پور (نام سازمانی ایرج) از ایران به ترکیه و عراق
- ۸۸- ابراهیم ماجلانی اهل تهران از ترکیه ۱۳۸۱
- ۸۹- رضا الماسی زاده، اهل اصفهان ۷۹ از اصفهان خارج- وقتی به عراق رسید پولهای او را گرفتند و دیگر راه برگشتی نداشت.
- ۹۰- افشین جعفرزاده متولد شهرستان ارومیه در سال ۸۰ ترکیه
- ۹۱- برادر افشین جعفرزاده متولد شهرستان ارومیه
- ۹۲- حسین افشار اهل قزوین سال ۱۳۸۰ از ایران خارج و برای کار به ترکیه رفت و به عراق کشانده شد.
- ۹۳- اسماعیل طالبی از شهرستان بناب شهریور ۸۱ از طریق ترکیه
- ۹۴- محمدرضا فعال ساکن تهران - مرداد سال ۱۳۸۱
- ۹۵- غلامرضا گوهری متولد ۵۳، متأهل دارای یک فرزند سال ۸۱ به ترکیه
- ۹۶- اکبر محمدیان اهل مراغه تابستان سال ۷۹
- ۹۷- محمد نعیم ملازهی، اهل سراوان ۱۳۸۱ پاکستان
- ۹۸- ناصر یوسفی سال ۱۳۸۱ به ترکیه
- ۹۹- اسدالله امیری سال ۱۳۸۱ شاغل در دبی
- ۱۰۰- نصرت الله محمدی اهل اسلام آباد غرب
- ۱۰۱- حمید کریمی اهل آبادن جدا شده درآلبانی
- ۱۰۲- حمید جعفری (شریف دانش) بدلیل دزدی طلا و جواهر که قبلا هم سابقه زندان رفتن داشت. مجبور به ترک ایران می شود و در ترکیه به دام سازمان می افتد در اشرف طلا جواهرات و ۸۰۰۰ دلار پول او را می گیرند و در تابستان ۹۵ درآلبانی از سازمان جدا می شود و پول و طلا جواهراتش را می خواهد در جواب می گویند: کدام طلا و جواهرات و پول؟ شاه دزد قدرت پولش را بالا کشید.
- ۱۰۳- خسرو اربابی اهل نیک شهر
- ۱۰۴- شاهرخ امیری اهل ارومیه
- ۱۰۵- مسعود احمدی اهل کرمانشاه سال ۸۱ در چابهار کار می کرد- به پاکستان و از اردن هم بغداد
- ۱۰۶- حبیب الله رضاپور ۱۳۸۰/۱۱/۱۵ در ترکیه
- ۱۰۷- خداداد عزیزی (سیروس) اهل کردستان سال ۸۱- سال ۹۵ درآلبانی از سازمان جدا شد.
- ۱۰۸- روح الله آسیال اهل کرمانشاه سال به ترکیه ۷۹
- ۱۰۹- احد عربی سال ۱۳۷۶ از کرمانشاه به ایلام و از ایلام به یکی از پاسگاه های عراقی
- ۱۱۰- پسر عموی احد عربی
- ۱۱۱- پسر دایی احد عربی
- ۱۱۲- سامان - در سال ۸۲ در اشرف در مرقمابود

۱۱۳- امید - در سال ۸۲ در اشرف درمقربا بود

۱۱۴- صمد در سال ۸۲ در اشرف (رفیق آرام گفتاری)

۱۱۵- حسن اهل تهران سال ۸۱ درالعماره

۱۱۶- اسفندیار پناهی اهل اردبیل سال ۸۱ به ترکیه با فریب (عشق دختر دایی) که گفته بودند در ارتش آزادیبخش است.

۱۱۷- احمد گرگانی - تهران و ترکیه

۱۱۸- حمید م اهل شهرستان خرمدره از توابع استان زنجان قد ۱۸۰ چهار شانه هیكلی پر و درشت، زیر گردن و کمی از صورتش در کودکی سوخته بود و چشمانی لوچ. به پدر و مادرش می گوید: میروم عراق دیدن و ملاقات داداش و براتون خبر سلامتی او را می آورم، آمد اینجا گیر افتاد.

۱۱۹- محمود عرب اهل خوزستان

۱۲۰- حمید لر

۱۲۱- نادر ترکه

۱۲۲- امیر خسرو تقریباً ۱۶ ساله اهل تبریز مشخص نیست چگونه به دام افتاده است.

۱۲۳- مهران ۱۸ ساله با برادر بزرگش "وریا" اهل سنندج که ۲ سال پیش تر در ترکیه توسط «علی آنکارا» فریب خورده و به عراق آمد.

۱۲۴- وریا

۱۲۵- فرامرز ۱۷-۱۶ ساله از ایران توسط مادرش که عضو شورای رهبری است با دروغ فریب به عراق کشانده بودند. او مادرش را مورد توهین و لعن و نفرین قرار می داد.

۱۲۷- احمد و - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۲۸- امیر ز - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۲۹- محمد خ - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۳۰- امیر ج - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی فریب داده شدند

۱۳۱- حمید گ - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۳۲- علی غ - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی فریب داده شدند

۱۳۳- امید ح - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۳۴- سیاوش - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۳۵- علی ک - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۳۶- کوروش - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۳۷- قباد - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند. اکبر آماهی خود بعداً از سازمان فرار کرد.

۱۳۸- نصیر اهل ایلام - چهار شانه و قد ۱۷۵ - شخصی به نام شاهمراد اهل ایلام برای سازمان کار می کند و آنها را با وعده اینکه اگر به عراق بروند پول داری شوند و می توانند زندگی خوبی برای خودشان درست کنند (روم همیشه عین حرف آنها رو تکرار کنم).

۱۳۹- حیدر اهل ایلام - به شوخی به او «رامبو» می گفتند. حیدر گفت: تو را به خدا به اینها بگو مرا رها کنند بروم سر زندگییم حالا مادر پیرم از گرسنگی مرده! گفتم منظورت چیه؟ گفت: ما سه نفر را در حالی که با دست به رضا و نصیر اشاره می کرد سازمان به قیمت ۱۲۰ هزار تومان خریده! گفتم بابا یک راس بز ۵۰ هزار تومان است چطور سازمان یک انسان را ۴۰ هزار تومان خریده؟ شخصی به نام شاهمراد اهل ایلام برای

سازمان کار می کند و آنها را با وعده اینکه اگر به عراق بروند پول دارمی شوند و می توانند زندگی خوبی برای خودشان درست کنند (روم همیشه عین حرف آنها رو تکرار کنم)

۱۴۰- رضا اهل ایلام - قد نزدیک ۱۹۰ - شاهمراد اهل ایلام برای سازمان کار می کند و آنها را با وعده اینکه اگر به عراق بروند پول دارمی شوند و می توانند زندگی خوبی برای خودشان درست کنند

۱۴۱- مهران رستگار فرد سال ۸۰ از ترکیه

۱۴۲- پسر دایی مهران رستگار فرد سال ۸۰ از ترکیه

۱۴۳- جواد اسدی دارای همسر اهل و ساکن شهرستان مرند از استان آذربایجان شرقی ۱۳۸۰ عبور از مرز برای کاریابی و زندان عراق

۱۴۴- رسول - بلوچ - نام مستعار

۱۴۵- هادی - بلوچ - نام مستعار

۱۴۶- رئوف - بلوچ - نام مستعار

۱۴۷- عبدالله - بلوچ - نام مستعار

۱۴۸- سعید- بلوچ - نام مستعار

۱۴۹- حسین ولی پور(توحید)

۱۵۰- عباس ترکاشوند(ناصر)

۱۵۱- امید- بلوچ

۱۵۲- محسن - بلوچ

۱۵۳- نادرچپ چاپ (مهدی)

۱۵۴- عبدالرضا آرمهر با اسم مستعار بهرام کرد اهل ایلام از قرارگاه در سال ۱۳۸۰ ترکیه

۱۵۵- محمد رضا ویژه سال ۷۹- در آلبانی جدا شده و به فنلاند رفتند

۱۵۶- وحید مکی به نروژ رفتند سال ۷۹ - در آلبانی جدا شده و به فنلاند رفتند

۱۵۷- شهرام سال ۸۱ - در اشرف حاضر نمی شد به ارتش بپیوندد

۱۵۸- فرهنگ سال ۸۲ - در اشرف حاضر نمی شد به ارتش بپیوندد

۱۵۹- رسول (نام سازمانی) اهل بلوچستان

۱۶۰- حسین همتی بانام سازمانی بهزاد- ۲۴ ساله اهل تبریز او نیز در ترکیه با وعده و وعید اقامت دائم در اروپا و زندگی ایده آل به دام افتاده بود. هنرمندی خوشنویس بود

۱۶۱- عباس ثابت منش - از ترکیه به اشرف آمد.

۱۶۲- جاوید امیری اهل سیستان بلوچستان

۱۶۳- پویا (اسم مستعار) : جوان ۲۵ ساله اهل کرج- موهای خرمایی ، لاغر اندام و قد ۱۸۵- در ترکیه رابط سازمان وعده پناهندگی در اروپا و پیدا کردن کار - پویا بشدت مسئله دار بود

۱۶۴- حسین اهل اصفهان - سال ۱۳۸۰

۱۶۵- مهدی برائی با نام مستعار برنا در کشور امارات در یک کافه کار می کرد که رابطین سازمان با وعده اخذ پناهندگی اروپا و زندگی بهتر فریبش داده به عراق فرستادند.

- ۱۶۶- عبدالقادر جیلانی در پاکستان کار می کرد عبدالقادر فارسی را به زحمت صحبت میکرد.
- ۱۶۷- هدایت مختار پور - خرداد ماه سال ۱۳۸۰ برای یافتن کار به ترکیه سفر کرده در ترکیه
- ۱۶۸-سید یوسف جرفی (اشکان) اهل اهواز متأهل بود اما نمیدانست که همسرش باردار است.
- ۱۶۹- مهرداد امیری
- ۱۷۰- علیرضا خاموشی اهل کرمانشاه
- ۱۷۱- حجت رفیعی در سال ۱۳۷۷ برای تحصیلات از ایران خارج و در سال ۸۰ وارد سازمان شد.
- ۱۷۲-حسن آتش افزون اهل بندرعباس متولد ۴۷ - سال ۱۳۶۸مجید شکوهی(عضو سازمان) پیشهاد کار در اروپا می دهد وبا پاسپورت جعلی از دوی به انگلستان! بروم و بر دند بغداد. مجید شکوهی در سال ۹۵ از سازمان جدا شد.
- ۱۷۳- سیامک (... قلی زاده) اهل انزلی استان گیلان است او را به ترکیه و سپس به عراق آوردند
- ۱۷۴- جمیل عبدالله زاده سال ۱۳۸۰ راهی دوی شد. آنجا با فردی آشنا شد که می گفت: «من شما را به اروپا می فرستم.»
- ۱۷۵- محمد یوسف چاری زهی (نام سازمانی عبدالله) متولد ۱۳۵۴ - ایرانشهر- سال ۱۳۸۰ برای یافتن کار و عزیمت به اروپا به دوی رفت. سال ۱۳۸۱ در آنجا با فردی به نام نور محمد آشنا و پیشنهاد کار به آلمان و در یک شرکتی بنام مسعود و مریم داد.
- ۱۷۶- غلامرضا شیردم
- ۱۷۷- ناصر شیر دم - دارای همسر زن و سه دختر کودک و رود به قرارگاه اشرف اردیبهشت ۸۱.
- ۱۷۸- رسول - درکراچی با غلامرضا شیر دم بودو با هم به اشرف منتقل شده بودند.
- ۱۷۹- عثمان... دوست غلامرضا شیر دم
- ۱۸۰- قربانعلی برادران متولد ۱۳۵۸ اهل روستای اسبو کلا ساری ۱۳۷۸ سرباز فراری و زندانی ابوغریب توسط سازمان به اشرف آمد.
- امروز تمام وقت برق قطع بود و عصر هم پاکستانی ها را صدا زدند و گفتند که فعلا سفرشان عقب افتاده است. (افراد پاکستانی کودکان و جوانانی بوده اند که سازمان در ازای پول آنها را از پدر و مادرشان خریده و جهت مزدوری به عراق آورده بود)
- ۱۸۱- فرید اهل زاهدان- ۳۲ ساله داشت. او به ارتش نیامد و... بستگان او در ارتش بودند.
- ۱۸۲- اصغر فرزین
- ۱۸۳- جادیه امیری می خواست از سازمان بیرون بیاید. هر بار در نشست می گوید من نمی خواهم بمانم ، برایش چیزی میخرند. برای او تا به حال ۲تا دوچرخه خریده اند.
- ۱۸۴-جمیل عبدالله زاده
- ۱۸۵- کامبیز باقرزاده اعزام از آلمان قبل از سن قانونی - برادر و خواهرش در اشرف بودند
- ۱۸۶- عمر دهانی - بلوچ بود چهل ساله متأهل، بیسواد و دارای شش فرزند، در دبی به وسیله رابطین سازمان با وعده کارایی و اشتغال و کسب درآمد بیشتر ، سال ۸۱به قرارگاه اشرف انتقال می دهند. عمر دهانی در سال ۸۲ در درگیریهای جنگ کشته شد.
- ۱۸۷- مهرتاش ترک زبان حدوداً ۳۷ ساله - سال ۷۶ به اشرف منتقل کردند و بدلیل مخالفت با حضور در اشرف مه ها زندان بود.
- ۱۸۸- سعید پاکدل
- ۱۸۹- محمود مشتاقی (امیر عباس) تحت فشار فرمانده هان مجاهدین بودتا همسرش را طلاق دهد. سر پست نگهبانی مجدداً اقدام به خود سوزی کرده بود.
- ۱۹۰- مسعود
- ۱۹۱- جمشید
- ۱۹۲- بهمن

۱۹۳- فرهاد

۱۹۴- فرامرز

۱۹۵- ستار ریگی

۱۹۶- علی دهقان

۱۹۷- ایرج

۱۹۸- جواد اسدی- ازمرز ایران عراق بدلیل پناهندگی دریک کشور اروپایی به اف آمد.

۱۹۹- آرمین و خسرو دونوجوانکه به آنها گفته بودند به آلمان می روید. آنها را از پدرمعتادشان به قیمت ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان خریداری کرده ... سپس به عراق کشاندند. آرمین و خسرو وضعیت خود را به فرماندهان ارتش امریکا توضیح دادند و اسفند سال ۸۳ توسط صلیب سرخ به ایران برگشتند.

۲۰۰- خسرو - برادر آرمین

۲۰۱- هادی...بلوچ به نام مستعار

۲۰۲- رئوف...بلوچ به نام مستعار

۲۰۳- عبدالله...بلوچ به نام مستعار

۲۰۴- سعید...بلوچ به نام مستعار

۲۰۵- توحید (حسین ولی پور امید)

۲۰۶- ناصر (عباس ترکاشوند)

۲۰۷- محسن مهدی (نادر چپ چاپ)

۲۰۸- مهران رستگار فرد سال ۸۰ عازم ترکیه

۲۰۹- پسر دایی مهران رستگار فرد سال ۸۰ عازم ترکیه

۲۱۰- احمد گرگانی - راهی ترکیه شدم برای دیدن همسرم منیژه گفتند باید اول طلاق بدهید تا بتوانید او را ببینید! ۲۲ ماه در زندان انفرادی و زیر بازجویی و شکنجه حسن محصل و همکارانش قرار گرفتم و بعد از آن همه بدبختی حالا آزادم کردند و گفتند باید ببینید به سازمان و مبارزه کنید.

۲۱۱- قباد خضری نوجوان زیر ۱۸ سال روستایی و آدم ساده ایی بود. درکمانشاه در عملیاتی کشته شد.





۲۱۲- محمود عرب اهل خوزستان- پنجه و ساعد دست راستش تا بالای آرنج کاملاً سوخته بود هر روز پوستش می‌ترکید و پوسته پوسته می‌شد و می‌کند. مسئولین مجاهدین قبول نکردند و مستمر می‌گفتند: تو خودت با دست خط خودت تعهد نوشتی و امضاء کردی عضو سازمان باشی و... من هم عصبانی شدم رفتم نفت ریختم روی دستم و آن را آتش زدم. به مسئولین گفتم این دستم خطاکار است امضا کرده و تعهد نوشته بقیه بدنم بی‌گناه، حالا دستم مجازات شده و آن را قطع کنید تا بقیه بدنم آزاد شود.

۲۱۳- نادر ترکه

۲۱۴- حمید لُر

۲۱۵- سهیل خطار با نام مستعار "پاشار" نوجوانی اهل همدان که بصورت قاچاق و با فریب اعزام به اروپا به اشرف کشانده بودند. در دوران پراکندگی ۸۲ سالگی با شکیک گلوله به زیرچانه اش خودکشی کرد

۲۱۶- عبدالرحیم نظری از ترکیه به عراق

۲۱۷- ناصر کیومرثیان اسم مستعار است اهل آذربایجان. قدی به قد حدوداً ۱۸۵ صورتی تقریباً سرخ و کک مکی و موی بور-از هلند به عراق کشانده. دانشجوی در حال تحصیل در کشور هلند بوده که سازمان او را فریب داده و به عراق و داخل مناسبات کشانده بودند. در سال ۸۲ در جولای بهنگام فرار از سازمان توسط اکبر مجرد با شلیک گلوله به قتل رسید.

۲۱۸- ساشا که فریب رابطین سازمان را در روسیه خورده و از مسکو به قرارگاه اشرف در عراق منتقل شده بود خود را حلق آویز کرده است

۲۱۹-شاهد روشنی تبعه پاکستان سال ۸۸ به بهانه کار به اشرف کشانده شدند فاروق ولایت و شاهد برادر بودند ۱۱ پاکستانی به تیف و سپس به پاکستان رفتند.

۲۲۰- فاروق روشنی

۲۲۱- لیاقت روشنی

۲۲۲- سعید ناصری هستم اسفند ۱۳۷۵ ایران را ترک و برای ادامه تحصیل خود را به یک کشور اروپایی ارتطریق مرز عراق وزندانی شده در ابوغریب.

۲۲۳- انور ساسانی « نام سازمانی صادق» سال ۷۹ فکسی از اروپا برای کار کردن. فردی به نام علوی «سرپل» های مجاهدین در مالموی سوئد - از ترکیه به دبی و از دبی به عراق.

۲۲۴-جعفر - سال ۷۹ از طریق دبی به ام القصر عراق با کشتی

۲۲۵- منصور- سال ۷۹ از طریق دبی به ام القصر عراق با کشتی

۲۲۶- عباس که با همسر و دختر بچه اش مینا - به استانبول رفتند. به عراق کشانده شدند.

۲۲۷- فرهاد پورمشکی از مسیر کراچی اردن بغداد

۲۲۸- عزت اهل بلوچستان و حدوداً ۲۳ ساله

۲۲۹- خسرو بلوچ (عزت و خسرو در رودی با هم بودند)

۲۳۰- علی مظلومی اهل قم و ۳۲ ساله

- ۲۳۱- نصرت الله محمدی اهل اسلام آباد غرب- سال ۸۱ یکی از دوستانش او را فریب داد و گفت: پس از ۶ ماه به اروپا می روند و عراق.
- ۲۳۲- روناک دشتی ۱۷ ساله به قصد ادامه تحصیل در ایتالیا از طریق مرز ارومیه به همراه برادرش از ایران به شکل قاچاقی از مرز خارج و راهی ترکیه شدند قاچاقچیان در ترکیه ما آنها را تحویل افراد سازمان مجاهدین خلق و بعد را وارد عراق کردند .
- ۲۳۳- شهرام دشتی برادر روناک
- ۲۳۴- عارف - بلوچ ۲۱ ساله
- ۲۳۵- آرمین ۱۶ ساله بلوچ یکبار هم از اشرف به همراه عارف فرار کردند و در بغداد توسط پلیس دستگیر و به اشرف برگردانده شدند.
- ۲۳۶- فرهاد قوانلو از ترکیه همراه شکرالله و علی قزل قارش توسط یحیی گل چشمه عضو سازمان در اشرف با وعده کار در اروپا به عراق کشانده شدند. یحیی گل چشمه بخاطر آزادی پسرش از اشرف بنام ادیس که قصد خروج از سازمان داشت شرط گذاشته بود که سه نفر را به سازمان بیاورد تا پسرش خارج شود.
- ۲۳۷- شکرالله صادقلو
- ۲۳۸- فرهاد به همراه همسر آمده بود اما نمی خواست همسر را طلا دهد -توسط یک فامیل در اشرف احتمالاً پدرزن بعنوان رفتن به انگلیس
- ۲۳۹- همسر فرهاد
- ۲۴۰- علیرضا نصراللهی نام مستعار افشین در اف ام ۶
- ۲۴۱- صمد رفیق آرام گفتاری که قاچاقچی بود در اف ام ۶
- ۲۴۲- صمد اهل اردبیل شغل تنظیم و فروش ماهواره در اف ام ۶
- ۲۴۳- محمد کریم میری در ۱۸ سالگی و به اجبار در فروردین ۹۰ در درگیری شرکت کرد و زخمی شد.
- ۲۴۴- مجید روحی فرزند ربیع علی متولد ۱۳۵۲ در تهران، سال ۱۳۷۴ برای یافتن کار به ترکیه رفت. سال ۱۳۷۶ رابط سازمان پیشنهاد رفتن ره عراق و نصف روز در ارتش کار خدماتی و نصف روز برای خودش کار کند. در اردن پاسپورت او را گرفته و دیگر ندادند.
- ۲۴۵- جلال فیضیان (فریدون) از کرمانشاه - سال ۱۳۸۰
- ۲۴۶- فریدون ابراهیمی سال ۱۳۷۹ جهت کار به کشور ترکیه رفته و بعد از یکماه با فردی آشنا شده که میگفت می تواند افراد را از طریق مرز کشور عراق برای کار مناسب و پناهندگی به اروپا بفرستد و ظرف یک هفته مدارک من را فراهم و از طریق مرز آبی به کشور امارات سپس وارد بغداد و اشرف شدم.
- ۲۴۷- علی احمدی ۳۳ ساله - اصالتاً کرمانشاهی و دارای همسر و فرزند در ترکیه کار میکرد- دابی شهرام و روناک دشتی میباشد- از ترکیه سال ۸۱ به عراق. سازمان او را با اندک تأمین مالی تبدیل به سرپلی برای جذب به سازمان و وعده کار در اروپا کرده بود و او بسیاری از افراد را به عراق کشانده بود.
- ۲۴۸- محمود سپاهی سال ۱۳۷۹ به قصد رفتن به امریکا از کشور امارات توسط سازمان به عراق وارد شد.
- ۲۴۹- نصیر نصیری - زندانی سیاسی در سال ۱۳۷۷ به قصد رفتن به اروپا به عراق آمد .
- ۲۵۰- محمود اکبری اقدم رابطین سازمان در ترکیه آنها را فریب داده و به عراق بردند.
- ۲۵۱- امیر (نام سازمانی کیومرث امیریان) رابطین سازمان در ترکیه آنها را فریب داده و به عراق بردند.
- ۲۵۲- همایون - اسم مستعار
- ۲۵۳- بایرامعلی محمدی متولد ۱۳۶۴ در سال ۱۳۸۰- پنهان از خانواده جهت کار و مهاجرت به ترکیه رفته و در کارواشی در استامبول کاری کرد تا به اروپا برود. در سن ۱۶ سالگی او را فریب داده و به اشرف بردند.
- ۲۵۴- علیرضا امیری
- ۲۵۵- طوبی بزرگمهر اهل کرمانشاه و اعزم از ترکیه

۲۵۶- جلیل بزرگمهر اهل کرمانشاه، جلیل برادر بزرگ طوبی و خلیل بامرگ پدر و مادر و در فقر و تنگدستی به ترکیه رفته و پس از سال ۷۱ رابط سازمان آنها را فریب داده و به عراق می کشانند. جلیل که در سال ۷۴ سر به نیست شد

۲۵۷- خلیل بزرگمهر اهل کرمانشاه و اعزم از ترکیه

۲۵۸- محمد کریم میری

۲۵۹- جلیل آلبوغبیش اهل هندیجان بدلیل مشکلات مالی توسط فردی بنام حسین در هندیجان با وعده پول و اروپا به بصره - خالص- اشرف می کشانند.

۲۶۰- محمد (دوست جلیل آلبوغبیش) سال ۷۳ از طریق بصره به خالص و اشرف.

۲۶۱- عقیل بارانی - برای کار به ترکیه رفته بود و توسط رابطین مجاهدین فریب داده شده و به عراق برده اند.

۲۶۲- محمود عوده زاده

۲۶۳- مسعود اولادی اهل قائم شهر متولد ۱۳۵۲ است. سال ۸۰ جهت کاریابی به ترکیه می رود و مجاهدین گرفتار به او پیشنهاد کار در یک کشور اروپایی با حقوق ماهیانه سه هزار دلار داده می شود، به این شرط که باید یک دوره ی آموزشی شش ماهه را در عراق بگذراند.

۲۶۴- مجید آراسته (نام سازمانی کوروش) ...- در سال ۸۲ پشت آفا به چند نفر شلیک کرد و کشته شدند.

۲۶۵- گودرز بدلیل اعتیاد خانواده اش او را به ترکیه می فرستند و توسط برادر و خاله و خانواده اش که در اشرف بودند فریب داده و به عراق و اشرف کشانده اند. او پس از سرنگونی صدام به تیف رفت.

۲۶۶- فرهاد پاکار اهل کرمانشاه: بدلیل مشکلات مالی و وعده وعیدهای سازمان مبنی بر ۵۰۰ دلار حقوق از مرز پاکستان به فرارگاه اشرف آمد.

۲۶۷- مسعود جوانبخت جباری اهل کرمانشاه

۲۶۸- سجاد - یکبار هم اقدام به فرار کرد و دستگیر و به اشرف بازگردانده شد.

۲۶۹- حمید رستگاری پسر عموی همسر جواد اسدی سال ۱۳۸۱ از ترکیه

۲۷۰- ایرج رستگاری برادر زن جواد اسدی سال ۱۳۸۱ از ترکیه

۲۷۱- علمدار شایگان متولد ۱۳۴۷ اهل شهرستان لار در بهمن سال ۶۸ سرباز در شکر ۲۸ سنندج از ایران خارج و با دونفر دیگر قرار گذاشته بودند به عراق و از آنجا به اروپا بروند.

۲۷۲- سعید پاکدل

۲۷۳- مسعود

۲۷۴- ایرج

۲۷۵- علی دهقان

۲۷۶- ستار ریگی

۲۷۷- فرامرز - ۱۶-۱۷ ساله - مادرش شورای رهبری بود و او را از ایران به عراق و اشرف کشانده بود.

۲۷۸- فرهاد

۲۷۹- جمشید

۲۸۰- بهمن

۲۸۱- حجت الله عزیزی بر اثر شلیک کلاش (خودکشی یا نا خواسته) کشته شد.

۲۸۲- عیسی بلوچی اهل بلوچستان شهرستان نیک شهر

- ۲۸۳- اسماعیل طالبی - جهت کار به ترکیه رفته بود و توسط رابطین سازمان گفت شده بیا در عراق زبان انگلیسی یاد بگیر بعد برو اروپا و جزء هواداران سازمان باش.
- ۲۸۴- خداداد عزیزی- کرد عراقی درسال ۹۵ درآلبانی از سازمان جدا شد.
- ۲۸۵- رضوان - درسال ۹۵ از پایگاه مفید درآلبانی فرارکرد.
- ۲۸۶- داریوش قنواتی
- ۲۸۷- حامد مهمانخواه
- ۲۸۸- علی بهرامی (با نام سازمانی آراز)
- ۲۸۹- عزیز هاشم (با نام سازمانی ایرج)
- ۲۹۰- حجت (با نام سازمانی شیرازی) ۲۶ ساله. یکبار با یوسف رئیسی شبانه از اشرف فرارکرد و در اطراف قرارگاه دستگیر و بازگردانده شدند. او بعداً به تیف رفت.
- ۲۹۱- یوسف رئیسی اهل ایرانشهر
- ۲۹۲- مهدی (در ترکیه توسط علی آنکارا فریب داد شده و با اکبری اقدم، عبدالرحیم، امیر جعفری، امیر اصلان به عراق آوردند.)
- ۲۹۳- عبدالرحیم (بیسواد ، ترکمن اهل گنبد)
- ۲۹۴- امیر جعفری (عزیز اشتری)
- ۲۹۵- امیر اصلان حسن زاده
- ۲۹۶- سهراب - یکبار خودکشی کرد هم یگانی اکبری اقدم بود.
- ۲۹۷- سید یلدانی(نام سازمانی حمزه محبوب) در ترکیه نزد پدر و مادرش زندگی می کرد توسط رابطین سازمان به عراق منتقل شد .
- ۲۹۸- محمدرضا فعال(نام سازمانی فرشید) اهل تهران
- ۲۹۹- شهرام (نام سازمانی) نوجوان ۱۷ساله گلپایگانی
- ۳۰۰-مکی رفیعی
- ۳۰۱- سعید کلانتری اهل خوزستان
- ۳۰۲- حسن اهل تبریز - از ترکیه به عراق
- ۳۰۳- همایون(نام سازمانی) اهل کرج که ۳۰ ساله - اوحاضر به سوگند خوردن و دادن تعهد نمی شد.
- ۳۰۴- سهراب (قاسم - ۲۷ ساله) اهل شهریار و یکبار هم دست به خودکشی زد.
- ۳۰۵- امین (اسم مستعار) در قبرس به تور رابطین سازمان افتاده و به اشرف منتقل شده بود.
- ۳۰۶- ابراهیم جعفری اهل مشهد
- ۳۰۷- پهلوان (علیرضا) اهل مشهد بود- میانسال که مبتلا به مرض دیابت بود و مدام انسولین تزریق می کرد در ورودی با ما بود پهلوان حاضر نشد به ارتش بپیوندد .
- ۳۰۸- محسن اهل تسنن
- ۳۰۹- حمید افسری - خیلی ها را فریب داده و به سازمان وصل کرده بود
- ۳۱۰- محمد رضا بابا خانلو اهل تهران- شغل خیاط - برای کیس پناهندگی در اروپا به عراق کشانده شد.
- ۳۱۱-۴- حسن توکلی (نام سازمانی هادی ایرانی) اهل تهران

- ۳۱۱- محسن سنجر بیگی (نام سازمانی حسام) ۱۷ ساله داشت به همراه دوست خود (هادی) به اشرف منتقل شدند.
- ۳۱۲- ۶- مهرداد - ۱۸ ساله - توسط حمید افسری عمه زاده اش به اشرف کشانده شده بود.
- ۳۱۳- رشاد شاه نظری (نام سازمانی نادر لسانی) اهل تهران، خاله اش در انگلیس هوادار بود توسط خاله اش به سازمان وصل شد در ایران معتاد بود. او به کمپ امریکا رفت سپس از آنجا فرار کرد و به ایران رفت.
- ۳۱۴- سید محمود عطائی (نام سازمانی ایرج) اهل مشهد - از مجاهدین جدا و به کمپ امریکا رفت مدتی بعد از آنجا فرار کرد و به ایران رفت.
- ۳۱۶- مهرداد (با اسم مستعار حسین) اهل تهران
- ۳۱۷- بهنام یکی از هم یگانی های اکبری اقدم
- ۳۱۸- فرشید یکی از هم یگانی های اکبری اقدم
- ۳۱۹- علی اهل اصفهان- یکی از افرادی که توسط مجید آراسته (کوروش)مجید کشته شده بود بود علی با پسر خاله اش کامران به اشرف منتقل شده بود.
- ۳۲۰- کامران اهل اصفهان - پسر خاله علی
- ۳۲۱- شهریار فیضی(نام سازمانی) بلوچ و فوتبالیست بود(نام او را از شهید شهریار فیضی که در سال ۶۱ در زندان گوهر دشت بند ۱۰ ادر سلول انفرادی کنار من قرار داشت و با هم مورش می زدیم و در قتل عام ۶۷ شهید شد.)
- ۳۲۲- شهاب کُرد اهل ایلام حدوداً ۲۲ ساله.
- ۳۲۳- یعقوب (در تیف معروف به یعقوب کرکس بودند) از کسانی که سازمان از خیابان های ترکیه جمع کرده و به اشرف آورده بودند.
- ۳۲۴- جعفر (در تیف معروف به جعفر تروریست بود) از کسانی که سازمان از خیابان های ترکیه جمع کرده و به اشرف آورده بودند.
- ۳۲۵- ایرج مؤذن تبریزی حدوداً ۲۵ ساله اهل بوشهر و مسجد سلیمان، ایرج سه سال پیش در ترکیه مشغول کار تراشکاری بود. ایرج و برادرش علیرضا همراه یکی دوتن از دوستانشان سال ۱۳۷۹ از ترکیه به دام سازمان افتاده و به عراق کشانده بودند.
- علیرضا با آموزشهایی که در پذیرش سازمان گرفته، به ایران اعزام و بستگان و حتی پدرش را به سازمان کشانده بود. علیرضا سمبل انقلاب ایدئولوژیک بود. اوسپس از سازمان جدا و به تیف رفت و در آنجا بنا به گفته جدا شده ها به نفع امریکایی ها جاسوسی می کرد و بر علیه افراد تیف عمل می کرد.
- ۳۲۶- علیرضا مؤذن تبریزی سال ۱۳۷۹ برای یک زندگی بهتر به استانبول و تصمیم داشتند به اروپا بروند. برغم تلاش در ترکیه پولی برای غذا و محل سکونت نداشتند و رابط سازمان برای آنها پول خرج می کند و با فریب به عراق می کشاند.
- ۳۲۷- تورج مؤذن تبریزی سال از ترکیه به اشرف
- ۳۲۸- پسر خاله ی علیرضا مؤذن تبریزی سال ۱۳۷۹ از ترکیه به اشرف
- ۳۲۹- پسر خواهر پسر خاله ی علیرضا مؤذن تبریزی سال ۱۳۷۹ از ترکیه به اشرف
- ۳۳۰- پدر علیرضا مؤذن تبریزی سال ۱۳۷۹ از ترکیه به اشرف
- ۳۳۱- محمود آسمان پناه هشتم از کرمان سال ۷۹ از پاکستان به اشرف
- ۳۳۲- احمد حسامی اهل کرمان سال ۷۹ از پاکستان به اشرف
- ۳۳۳- حمیدرضا سلمانی متولد ۱۳۵۸ از استان خوزستان در سال ۱۳۷۹ از طریق ترکیه به عراق منتقل شد.
- ۳۳۴- علمدار شایگان متولد ۱۳۴۷ در شهرستان لار. بهمن سال ۶۸ از ایران خارج شده و وارد عراق گردید. در آن زمان در لشکر ۲۸ سنندج در منطقه مریوان سرباز و مجروح شده بود. به لحاظ خانوادگی شرایط فوق العاده سختی داشت. با دو نفر دیگر قرار گذاشتند به عراق و از آنجا به اروپا بروند.
- ۳۳۵- فردین مقصودی(با نام مستعار صادق) ۳۰ ساله اهل کرمانشاه که او را از ترکیه فریب به عراق و داخل مناسبات کشانده بودند. پس از خلع سلاح سازمان توسط صاحبخانه جدید(ارتش امریکا) و فشار های تشکیلاتی با گلوله کلاش خودکشی کرد.
- ۳۳۶- منوچهر عبیدی سال ۸۳ در ۴۱ سالگی بعنوان رفتن به اروپا به اشرف آمده بود.

۳۴۱- احسان بیدی هم با قاچاق انسان آمده ، ابتدا فعالیت و سپس گفته اند در معرض تهدید دستگیری قرار دارد.

۳۳۷- سعید فیروزی سال ۱۳۸۰ ایران را به مقصد ترکیه ترک کرد. به امید اینکه بدنبال زندگی بهتر، نا غافل در دامی افتاد و سه سال در فرقه

رجوی بود.

۳۳۸- سیاوش بیابانی برای کار به ترکیه رفته بود. یکبار دیگر وقتی از تیف خارج می شود در یونان گیر می کند سازمان اوربا پیشنهاد اعزام به اروپا، تطمیع می کند تا بر علیه مجید روحی و بتول سلطانی مقالا بنویسد و او چنین کاری را در هنگامی که با مشکل مواجه بود انجام داده است. وبعد ها همین موضوع راهم افشا کرد.

۳۴۰- سیامک (... قلی زاده اهل انزلی- استان گیلان) توسط تلفن برادر کوچکش به نام میثم (اسم مستعار) با فریب سازمان برای اعزام به اروپا از ایران به ترکیه و عراق و اشرف کشیده شد. اودرسال ۸۳ در پذیرش بود.
۳۴۲- میثم (اسم مستعار) در آلمان بسر می برد و به تور مجاهدین افتاده است.

۳۴۳- بهمن اعظمی متولد ۱۳۴۸ در کرمانشاه - برای درآمد و زندگی بهتر به ترکیه رفت.م. سازمان او را با وعده و وعید به عراق برد. در آبان سال ۱۳۹۶ از پایگاه سازمان فرار کرد.

۳۴۴- فرهاد کرمی (نام فامیل دقیق نیست) ۲۸ سال در سازمان بود و در آلبانی از سازمان جدا شد

۳۴۵- شکرپه شفا بین

۳۴۶- صبرپه شفا بین

۳۴۷- فرمان شفا بین- فرمان از رمادیه آمده بود. در سال ۷۷ خودش را در سالن ورزش به آتش کشید. دو خواهرش بنامهای شکرپه ۱۳ساله و صبرپه ۱۶ساله در سنین پایین از شدت فقر خانواده از رمادیه عراق به سازمان آمده بودند. فرمان آنقدر تحت فشار و آزار وادیت تشکیلاتی بود که به آخر خط رسیده در آخرین دیگی (نشست جمعی بر علیه سوژه) که مهری علیقلی به فرمان گفت: فرمان، الان آمدی برای ما شاخ شدی، مگر کی هستی! , یادت هست پدرت برای سیر کردن شکم شما در رمادیه خواهرانتان را می فروخت الان آمدی برای ما شاخ شدی وزیر بار نمی ری؟! بعد از زخم های همین نشست کشنده ، فرمان به بیرون رفت و نفت عشتار را روی سرش ریخت و به سالن برگشت و فندک را به خودش کشید. دیگر هیچ کس نمی توانست در سالن او را خاموش کند. در مورد فرمان شفا بین شاهدین بسیاری هستند.

۳۴۸- سلطان مجدم

۳۴۹- یوسف اسلوتی از سیستان و بلوچستان در سال ۹۵ در آلبانی از سازمان جدا شد

۳۵۰-

اسامی تکمیلی متعاقباً اعلام خواهد شد.

سایت حقیقت ماتا - ۱۳ فروردین ۱۳۹۷ - سیامک نادری